رهبرمعظم انقلاب در پیامی به مردم عراق تصریح کردند

هراس استکبار از تشییع میلیونی علمدار انقلاب

رهبر معظم انقلاب اسلامی در پیامی به مردم عراق با تکریم مراجع عظام، نخبگان، سران قبایل و آحاد جوانان غیرتمند این کشور از آفرینش حماسه پرمعنای تشییع پیکر قائد شهید انقلاب اسلامی در عتبات عالیات قدردانی کردند. متن کامل پیام ایشان به شرح زیر است:

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

به محضر شریف مراجع عظام، علمای معزز و اساتید و فضلای حوزات علمیه و دانشگاه‌ها، اندیشمندان و نخبگان گرانقدر، امرا و سران قبایل و شیوخ عشایر و سران طویف و مردم بزرگوار و بامحبت و جوانان غیرتمند و شریف سرزمین مظلوم عراق سلام و تحیت و تکریم و تقدیر وافر می‌فرستیم.

مردم مؤمن عراق که از نعمت عظیم همجواری و میزبانی آل‌الله صلوات‌الله‌وسلامه‌علیهم‌اجمعین در اعتاب مقدسه برخوردارند، با سابقه درخشانی از فرهنگ و بهره‌مندی از پشتوانه‌ای معنوی و هدایت‌بخش چون حوزه نورانی و کهن نجف اشرف و عملکرد مجاهدانه در جبهه مقاومت، در استقبال از قائد عظیم‌الشأن شهید اعلی‌الله مقامه‌الشریف همچون ملت ایران حماسه‌ای عظیم و پرمعنا و آکنده از سوز و گداز آفریدند.

عراق از آن روزی که قدوم مبارک مولای‌مان امیرالمؤمنین صلوات‌الله‌وسلامه‌علیه بر خاک آن قرار گرفت، سرزمینی مبارک شد و به‌زودی مردمانش با افتخار تمام، طوق محبت و ولایت آن حضرت و اولاد طاهرین‌شان صلوات‌الله‌وسلامه‌علیهم‌اجمعین را بر گردن خود آویختند. دوران‌های تسلط جباران و حکام ظالم بر این سرزمین هیچ‌گاه نتوانست گوهر ناب ولایت و محبت به عترت طیبه را از قلوب این مردم بزداید.

از همین‌رو بعد از زوال حکومت بعثی، رویداد عظیم پیاده‌روی اربعین رخ داد و چون از عمق جان مردم باایمان برمی‌آمد، روز به روز گسترش یافت و دقیقا به همین جهت آنگاه که این مردم دیدند فرزند مظلوم و شهید امیرالمؤمنین و سیدالشهدا صلوات‌الله و سلامه‌علیهما بعد از سال‌ها دوری ظاهری از اعتاب مقدسه، این بار با پیکری شبیه به حسین و مادرش و برادرش به طواف مراقد منوره می‌آید، با تمام وجود قدوم او را گرامی داشتند.

از سوی دیگر این تشییع میلیونی و بی‌نظیر از علمدار مقاومت، جلوه‌ای تمام‌عیار از همدلی و اخوت و هم‌مرامی بین دو ملت عراق و ایران را نشان داد. بی‌تردید سران استکبار با دل‌هایی هراسان، تصاویر صحنه‌های باشکوه این اجتماع عظیم در عراق را مشاهده کردند و دیدند که چگونه سرمایه‌گذاری‌های کلانی که برای تخریب رابطه دو ملت به عمل آورده بودند پوچ و بی‌اثر از آب درآمد. این حضور چند۱۰ میلیونی هم در ایران و هم در عراق آن هم به مناسبت تشییع و بدرقه امام مجاهد شهید اعلی‌الله مقامه‌الشریف، فصل جدیدی از بیداری و نقش‌آفرینی برای تغییر معادلات از پیش‌ساخته مستکبران را رقم زد. اینک شیطان بزرگ، آمریکای جنایتکار فهمیده که استمرار حضور بی‌دردسر و سلطه‌گرانه‌اش بر منطقه، خیالی خام بیش نیست.

به‌زودی بار دیگر آغوش گشوده ملت کریم عراق و عشایر و طوایف خونگرم و بامحبت آن به روی زائران مشتاق زیارت اربعین و از جمله انبوهی که به نیابت از آقای شهید ایران زیارت می‌کنند، با خاطره این تشییع شکوهمند و بزرگمردی که شاید سال‌ها آرزوی تشرف به



اعتاب مقدسه را در دل می‌پروراند، درآمیخته و شعار پر از حقیقت حُبُّ الحسین یجمَعُنا را به رخ همگان خواهد کشید و ان‌شاءالله دعای سرورمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف برای امنیت و برکت و پیشرفت ملت عراق را در پی خواهد داشت؛ بِمَنِّهِ وکَرَمِه.

سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای
۲ صفرالمظفر ۱۴۴۸
۲۶ تیر ۱۴۰۵





مهدی سیف‌تبریزی
گروه سیاسی

طی ۲۴ساعت گذشته، همزمان با ادامه حملات آمریکا به برخی نقاط در جنوب ایران از جمله قشم، حوالی حاجی‌آباد و شادگان و حمله به سایت در حال ساخت نیروگاه هسته‌ای دارخوین، نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران نیز موج تازه‌ای از عملیات‌های موشکی و پهپادی را علیه پایگاه‌ها و زیرساخت‌های نظامی آمریکا در منطقه به اجرا گذاشتند؛ حملاتی که از بحرین، کویت و اردن تا عراق را دربرگرفت و علاوه بر اهداف نظامی، مراکز پشتیبانی، انبارهای مهمات، سامانه‌های اطلاعاتی، مراکز داده و زیرساخت‌های مرتبط با فرماندهی و کنترل آمریکا را هدف قرار داد.

در همین حال یکی از مهم‌ترین تحولات میدانی، اعتراف رسمی فرماندهی مرکزی ارتش آمریکا (سنتکام) به کشته شدن دو نظامی آمریکایی در حملات ایران به یکی از پایگاه‌های این کشور در اردن بود؛ موضوعی که ساعاتی بعد دونالد ترامپ در گفت‌وگو با شبکه NewsNation ناگزیر به تایید آن شد. رئیس جمهور آمریکا با توصیف این حادثه به‌عنوان اتفاقی بسیار غم‌انگیز ضمن ابراز تأسف از کشته شدن نظامیان آمریکایی، بار دیگر ادعاهای پیشین خود درباره برنامه هسته‌ای ایران را تکرار کرد و در واکنش به اعلام تهران مبنی بر پایان پایبندی به تفاهم‌نامه آتش‌بس مدعی شد این موضوع برای او اهمیتی ندارد. این نخستین بار از زمان آغاز دور جدید درگیری‌هاست که عالی‌ترین مقام سیاسی آمریکا به‌صورت علنی کشته شدن نیروهای آمریکایی در حملات ایران را تایید می‌کند؛ اعترافی که اهمیت عملیات‌های اخیر ایران را بیش از گذشته برجسته کرده است.

همزمان با این تحولات، سرلشکر خلبان علی عبداللهی فرمانده قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیا در پیامی خطاب به واشنگتن، اظهارات ترامپ را بی‌پاسخ نگذاشت و با تاکید بر انسجام نیروهای مسلح و حمایت مردمی هشدار داد هرگونه ماجراجویی، زورگویی یا تجاوز جدید آمریکا با پاسخی قاطع و ویرانگر روبه‌رو خواهد شد؛ پاسخی که به گفته وی هزینه‌هایی به‌مراتب سنگین‌تر از جنگ‌های گذشته را بر دشمن تحمیل خواهد کرد. این موضع‌گیری در شرایطی مطرح شد که همزمان سامانه‌های پدافندی ایران موفق شدند دو فروند دیگر از پهپادهای پیشرفته ام‌کیو-۹ ریپر آمریکا را در آسمان دهلران و اهواز ساقط کنند؛ رخدادی که نشان می‌دهد نبرد هوایی نیز وارد مرحله‌ای تازه از تقابل مستقیم شده است.

در عرصه دریایی نیز تنش‌ها به اوج خود رسید. نیروی دریایی سپاه پاسداران با اعلام تداوم کنترل کامل بر تنگه هرمز، از متوقف شدن چند شناور متخلف خبر داد و هشدار داد که هیچ محموله نفت، گاز یا کالای راهبردی بدون هماهنگی با جمهوری اسلامی ایران از این آبراه عبور نخواهد کرد. استمرار محدودیت‌ها در تردد دریایی، بار دیگر بازارهای جهانی انرژی را تحت تاثیر قرار داده است به‌گونه‌ای که قیمت بنزین در آمریکا دوباره در آستانه عبور از مرز چهار دلار برای هر گالن قرار گرفته و گزارش‌ها از افزایش مجدد فشارهای تورمی بر اقتصاد ایالات متحده حکایت دارد.

در سوی دیگر میدان نیز دامنه پاسخ‌های ایران از زیرساخت‌های صرفا نظامی فراتر رفت. براساس بیانیه‌های رسمی سپاه، مراکز داده و هوش مصنوعی مرتبط با شبکه اطلاعاتی آمریکا در بحرین، انبارهای مهمات و مراکز لجستیکی در کویت، زیرساخت‌های نظامی در اردن و همچنین تأسیسات وابسته به شبکه فرماندهی و کنترل آمریکا در چند کشور منطقه هدف قرار گرفتند. همزمان گزارش‌هایی از آسیب به تأسیسات نفتی، نیروگاه‌های برق و آب‌شیرین‌کن در کویت، فعال شدن سامانه‌های پدافندی در اربیل و افزایش سطح هشدار امنیتی در اردن و عربستان منتشر شد؛ تحولاتی که نشان می‌دهد درگیری از مرحله نبردهای نقطه‌ای عبور کرده و به تقابل گسترده بر سر زیرساخت‌های حیاتی و شریان‌های اقتصادی منطقه رسیده است.

اکنون با اعتراف رسمی واشنگتن به تلفات انسانی، گسترش جغرافیای حملات متقابل، ورود زیرساخت‌های فناورانه و اقتصادی به فهرست اهداف و تداوم حملات دو طرف، بسیاری از ناظران معتقدند جنگ ایران و آمریکا وارد مرحله‌ای شده است که دیگر صرفا یک رویارویی نظامی نیست بلکه به نبردی چندلایه برای فرسایش توان نظامی، اقتصادی و اطلاعاتی طرف مقابل تبدیل شده؛ مرحله‌ای که می‌تواند معادلات امنیتی و ژئوپلیتیکی غرب آسیا را بیش از هر زمان دیگری دستخوش تغییر کند.

تلفات آمریکایی‌ها؛ پاشنه آشیل سیاسی ترامپ

تا پیش از تلفات آمریکا در اردن، دولت دونالد ترامپ تلاش می‌کرد روایت جنگ را بر محور حملات هوایی، انهدام زیرساخت‌های ایران و نمایش برتری نظامی آمریکا تنظیم کند اما ورود تابوت سربازان آمریکایی به خاک ایالات متحده معادله را تغییر می‌دهد. تجربه سیاسی آمریکا نشان داده افکار عمومی این کشور تا زمانی از عملیات‌های نظامی حمایت می‌کند که هزینه انسانی آن محدود باقی بماند اما از لحظه‌ای که شمار کشته‌ها افزایش می‌یابد، پرسش درباره چرایی ادامه جنگ به سرعت جای خود را در فضای رسانه‌ای و سیاسی باز می‌کند.

اما آنچه اهمیت این حادثه را دوچندان می‌کند، تنها آمار رسمی اعلام‌شده نیست بلکه روندی است که رسانه‌های معتبر آمریکایی از آن پرده برداشته‌اند. گزارش نیویورک تایمز نشان می‌دهد ایران تنها طی پنج روز گذشته دست کم چهار حمله جداگانه علیه مواضع آمریکا در اردن انجام داده است؛ حملاتی که از آسیب به بالگردهای بلک‌هاوک و مراکز استقرار نیروها آغاز شد و در نهایت به کشته شدن نظامیان آمریکایی در پایگاه موفق السلطی انجامید. این توالی حملات، نشان می‌دهد آنچه در اردن رخ داده بخشی از روندی فرسایشی است که هدف آن افزایش تدریجی هزینه حضور نظامی آمریکا در منطقه است.

همین مسأله شکاف‌های سیاسی در واشنگتن را نیز آشکارتر کرده است. هنوز چند ساعت از انتشار بیانیه سنتکام نگذشته بود که موجی از انتقادها علیه کاخ سفید از درون کنگره آغاز شد. نیکی بودزینسکی نماینده دموکرات کنگره، کشته‌شدن نظامیان آمریکایی را «هزینه جنگ غیرضروری ترامپ» توصیف کرد. جین شاهین سناتور باسابقه آمریکایی ضمن تسلیت به خانواده کشته‌شدگان، از رئیس جمهور خواست برای پایان دادن به این جنگ فاجعه‌بار وارد مذاکره شود. ملانی استنسبری نیز پا را فراتر گذاشت و این درگیری را جنگی غیرقانونی خواند که به بهای جان نظامیان آمریکایی، هزاران غیرنظامی و میلیاردها دلار از منابع مالی آمریکا تمام شده است.

این مواضع اگرچه از سوی چهره‌های دموکرات مطرح شده اما اهمیت آنها در این است که برای نخستین بار پس از آغاز دور جدید جنگ، انتقادها مستقیما شخص رئیس جمهور را هدف قرار داده‌اند، نه صرفا نحوه مدیریت عملیات نظامی را.

از سوی دیگر رسانه‌های آمریکایی نیز بیش از گذشته به بررسی آسیب‌پذیری نیروهای ایالات متحده پرداخته‌اند. واشنگتن‌پست در گزارشی تحقیقی، با استناد به گفت‌وگو با نظامیان حاضر در حملات پیشین ایران، از نارضایتی، احساس رهاشدگی و انتقاد نسبت به نحوه حفاظت از نیروهای آمریکایی پرده برداشت؛ گزارشی که نشان می‌دهد بخشی از بدنه نظامی آمریکا نسبت به شیوه مدیریت جنگ پرسش‌هایی جدی دارد.

در همین حال تحلیلگران غربی معتقدند کشته شدن نظامیان آمریکایی می‌تواند فضای تصمیم‌گیری در کاخ سفید را پیچیده‌تر کند. خبرگزاری آسوشیتدپرس این حملات را نقطه‌ای دانست که خطر گسترش جنگ را بیش از هر زمان دیگری افزایش داده است، در حالی که گاردین از آن به‌عنوان مهم‌ترین تلفات نیروهای آمریکایی از زمان ازسرگیری درگیری‌ها یاد کرد. همزمان آکسیوس نیز گزارش داد این نخستین تلفات آمریکایی پس از آغاز مرحله جدید جنگ است؛ رخدادی که می‌تواند فشار برای واکنش سخت‌تر یا بالعکس، بازگشت به مسیر دیپلماسی را افزایش دهد.

در مجموع، کشته شدن نظامیان آمریکایی در اردن می‌تواند آغاز همان روندی باشد که به‌تدریج دولت ترامپ را از یک چالش صرفا نظامی، به بحرانی سیاسی در داخل آمریکا وارد کند؛ بحرانی که اگر تلفات انسانی در هفته‌های آینده افزایش یابد، ممکن است در کنار تنگه هرمز، آینده این جنگ را تعیین کند.

خبر

لبیک سران قوا به فرمان وحدت‌بخش رهبری

در پی پیام اخیر مقام معظم رهبری که ضمن تقدیر از ملت ایران برای تشییع باشکوه رهبر شهید، بر لزوم وحدت و انسجام و اعتماد بر مسئولان تاکید کرده بودند، سران قوه مجریه و مقننه با انتشار پیام‌های جداگانه‌ای ضرورت وحدت برای پیروزی در مقابل دشمنان را مورد تاکید قرار دادند. دکتر مسعود پزشکیان شنبه‌شب در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: پیام حکیمانه و وحدت‌آفرین رهبر عالیقدر انقلاب اسلامی و حمایت ایشان از سران سه قوه و مسئولان کشور مهم‌ترین پشتوانه و سرمایه در جهت صیانت از منافع ملی و سربلندی ایران اسلامی است. رئیس جمهور افزود: پایبندی به لوازم اتحاد مقدس و پرهیز از اختلاف و تفرقه رمز پیروزی در این بزنگاه تاریخی است. رئیس مجلس شورای اسلامی هم در پیامی در حساب شخصی خود در شبکه ایکس نوشت: اصرار بر اتحاد مقدس، فقط یک توصیه اخلاقی یا اجتماعی نیست بلکه شرط ضروری پیروزی در میدان مبارزه با دشمن است. دکتر محمدباقر قالیباف دیروز نوشت: اطاعت از این حکم شرعی و ملی رهبرمعظم انقلاب را بخش مهمی از نقش‌آفرینی تاریخی خود در این مقاومت ملی و در اداره کشور تلقی کنیم.

ادامه مقاومت با زعامت حضرت آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای

سردار قاآنی فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران هم به‌دنبال پیام اخیر مقام معظم رهبری نوشت: فرماندهان و رزمندگان جبهه‌های مقاومت، ضمن قدردانی و اظهار تشکر از کرامت و بزرگواری مقام معظم رهبری نسبت به جبهه مقاومت، بار دیگر بر استمرار وفاداری اعتقادی خود به پیمانی که با امام شهید امت رضوان‌الله تعالی علیه بسته بودیم تاکید می‌کنیم و اعلام می‌داریم همچنان در دوره زعامت حضرت آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای حفظه الله تعالی مسیر نورانی و پرافتخار مقاومت را که بارها مورد تایید حضرت ایشان بوده و هست ادامه خواهیم داد.

گزارش

اشک تمساح رجاله‌های وطن‌فروش

همزمان با تداوم حملات آمریکا به شهرهای مختلف کشور ازجمله شهرهای جنوبی ایران، بخشی از جریان اپوزیسیون خارج از کشور تلاش کرده با برجسته کردن وضعیت این مناطق، روایت تازه‌ای از جنگ ارائه دهد؛ روایتی که به اعتقاد بسیاری از ناظران، با مواضع همین جریان در ماه‌های گذشته ناسازگار است. شماری از چهره‌های شناخته‌شده اپوزیسیون پیش از آغاز درگیری‌ها، آشکارا از افزایش فشار نظامی علیه ایران حمایت کرده و حتی حملات خارجی را راهکاری برای تغییر شرایط داخلی معرفی می‌کردند و عملا آتش‌بیار معرکه شده بودند تا جنایتکارانی چون ترامپ و نتانیاهو به بهانه حمایت از مردم ایران، کودکان میناب و جوانان لامرد را سلاخی کنند. با آغاز حملات نیز برخی از همین افراد و اکنش‌هایی نشان دادند که از سوی افکار عمومی به منزله استقبال از عملیات نظامی علیه کشور تعبیر شد.

اکنون اما محور اصلی فعالیت رسانه‌ای این طیف، تمرکز بر خسارت‌های واردشده به استان‌های جنوبی است؛ موضوعی که بیش از آن‌که نشانه تغییر دیدگاه باشد، تلاشی برای بازسازی سرمایه سیاسی از دست‌رفته محسوب می‌شود. به باور آنان، این جریان می‌کوشد با تغییر کانون توجه از عامل خارجی حملات، مسئولیت اصلی خسارت‌ها را متوجه ساختار داخلی کشور کند.

در همین چارچوب، نام‌هایی مانند اشکان خطیبی و علی کریمی بار دیگر در فضای رسانه‌ای، مطرح شده‌اند؛ افرادی که زمانی از مداخله خارجی به‌عنوان راه‌حل یاد می‌کردند، اکنون با استناد به آسیب‌های ناشی از همان حملات، خود را در جایگاه مدافع مردم جنوب قرار داده‌اند؛ تغییری منافقانه که با مواضع پیشین آنان همخوانی ندارد. این اتفاق روایت بخشی از یک عملیات رسانه‌ای گسترده‌تر است؛ عملیاتی که تلاش می‌کند مرز میان متجاوز و قربانی را کمرنگ کرده و منشأ بحران را نه حملات خارجی بلکه واکنش دفاعی ایران معرفی کند. چنین رویکردی در امتداد همان جنگ شناختی قرار می‌گیرد که پس از ناکامی اهداف نظامی، بیش از گذشته بر عرصه افکار عمومی متمرکز شده است. جنوب ایران، صرفا یک سوژه خبری یا ابزار دشمنی با وطن توسط این سلبریتی‌های وطن‌فروش است اما این منطقه در حافظه تاریخی ایرانیان با مقاومت در برابر قدرت‌های خارجی گره خورده. جریانی که در گذشته از تشدید جنگ علیه ایران استقبال می‌کرد، برای جلب اعتماد افکار عمومی اکنون ناگزیر است ابتدا نسبت خود را با آن مواضع روشن کند. زیرا بدون پاسخگویی درباره حمایت‌های گذشته از مداخله خارجی، ادعای دفاع از مردم آسیب‌دیده با پرسش‌های جدی روبه‌رو خواهد شد.

یادداشت

اسماعیل کوثری | عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس

راهبرد بی‌نتیجه فشار بر ایران

پس از آن‌که آمریکا و هم‌پیمانانش با حضور ده‌ها میلیونی مردم در مراسم تشییع و خاکسپاری رهبر شهید ایران مواجه شدند، دریافتند برآوردهای پیشین آنان درباره فاصله گرفتن مردم از نظام و رهبری نادرست بوده است. آنان انتظار داشتند مراسم تشییع با استقبال محدودی روبه‌رو شود اما حضور گسترده مردم، این روایت را با شکست مواجه کرد.

به همین دلیل تلاش کردند با تشدید حملات و نقض تفاهمی که خود رئیس جمهور آمریکا آن را امضا کرده بود، فضای افکار عمومی را تغییر دهند و این حضور مردمی را تحت‌الشعاع قرار دهند. تصور آنان این بود که با ایجاد ناامنی، روند حضور مردم در مراسم متوقف خواهد شد اما برخلاف انتظارشان، حضور مردم نه‌تنها کاهش نیافت بلکه گسترده‌تر نیز شد.

در ادامه نیز هدف اصلی آنان بر افزایش فشار در مناطق جنوبی کشور متمرکز شده است. حملات به زیرساخت‌های استان‌هایی مانند خوزستان، بوشهر، هرمزگان و سیستان و بلوچستان را باید در چارچوب تلاش برای تاثیرگذاری بر وضعیت تنگه هرمز و کاهش توان پشتیبانی ایران در این منطقه ارزیابی کرد. آنان می‌خواهند با ایجاد این فشارها، در نهایت کنترل بیشتری بر تحولات مرتبط با تنگه هرمز به دست آورند و آن را به‌عنوان یک دستاورد سیاسی و تبلیغاتی معرفی کنند.

با این حال، این محاسبه نیز به نتیجه نخواهد رسید. برنامه‌ریزی‌های لازم از مدت‌ها قبل انجام شده و نیروهای ایرانی با آمادگی کامل، هر روز با صلابت و انسجام بیشتری به این حملات پاسخ می‌دهند. چنانچه این روند ادامه یابد، طبیعی است پاسخ ایران نیز متناسب با سطح تهدید، شدیدتر خواهد شد.

کشورهای جنوب خلیج‌فارس نیز باید توجه داشته باشند اگر خاک یا امکانات خود را در اختیار حملات علیه ایران قرار دهند، نمی‌توان انتظار داشت این اقدامات بدون پیامد باقی بماند. ایران نمی‌تواند حمله به زیرساخت‌های خود را نادیده بگیرد و در صورت ادامه این روند، زیرساخت‌های طرف‌هایی که در این اقدامات مشارکت یا همکاری داشته باشند نیز ممکن است در معرض پاسخ متقابل قرار گیرند. توان اصلی نظامی آمریکا در جنگ گذشته به‌کار گرفته شد و اکنون دامنه حملات عمدتا به مناطق ساحلی و مرتبط با تنگه هرمز محدود شده است.

این مسأله نشان می‌دهد آنان نتوانسته‌اند به اهداف اولیه خود دست یابند و تغییر تاکتیک جدی داده‌اند اما معادلات همچنان به نفع ایران است و در آینده وضعیت برای آمریکا حتی بدتر هم خواهد شد چراکه نیروهای ایرانی و محور مقاومت با حفظ انسجام و آمادگی، هنوز غافلگیری‌های زیادی برای ترامپ در چنته دارند.

یادداشت

عباس سلیمی نمین | تحلیلگر ارشد مسائل سیاسی

مذاکره؛ ابزاری برای آشکار شدن ماهیت آمریکا

آنچه در ماه‌های اخیر رخ داده، حقیقت تازه‌ای درباره آمریکا برای ملت ایران آشکار نکرده است. مقصود از «ما» کسانی هستند که سال‌ها تجربه رویارویی با سلطه‌طلبی آمریکا را داشته‌اند و از نزدیک با شیوه رفتار این کشور آشنا شده‌اند اما باید توجه داشت هنوز ملت‌ها و افکار عمومی بسیاری در جهان چنین تجربه‌ای ندارند و شناخت آنان از آمریکا کامل نیست.

شناخت واقعی بیش از هر چیز، از دل تجربه به‌دست می‌آید. ملت‌هایی که تاکنون مستقیما با سیاست‌های سلطه‌جویانه آمریکا مواجه نبوده‌اند، طبیعتا درک دقیقی از ماهیت رفتار این کشور ندارند. در مقابل، ملت ایران و رهبران انقلاب اسلامی که دهه‌ها با فشارها، تحریم‌ها، تهدیدها و دخالت‌های آمریکا روبه‌رو بوده‌اند، به این جمع‌بندی قطعی رسیده‌اند که آمریکا قابل اعتماد نیست؛ موضوعی که رهبر معظم انقلاب بارها بر آن تاکید کرده‌اند.

با این حال، در مقاطع مختلف با انجام مذاکرات نیز موافقت شده است. این مسأله هیچ تناقضی با تاکید بر غیرقابل اعتماد بودن آمریکا ندارد. اجازه مذاکره هرگز به‌معنای اعتماد به آمریکا یا امید به پایبندی آن کشور به تعهداتش نبوده است. واقعیت آن است که ساختار قدرت در آمریکا و رژیم صهیونیستی بر استمرار تنش و بحران استوار است و بخش مهمی از اقتصاد و نفوذ جهانی آنان از طریق جنگ‌افروزی و فروش تسلیحات تامین می‌شود. بنابراین انتظار صلح‌طلبی از چنین ساختاری، انتظاری واقع‌بینانه نیست.

هدف از مذاکره بیش از آن‌که تغییر رفتار آمریکا باشد، آشکار شدن ماهیت واقعی این کشور برای افکار عمومی جهان است. هنوز در داخل کشور و نیز در سطح بین‌المللی افرادی وجود دارند که تصور می‌کنند مشکلات را می‌توان صرفا از مسیر گفت‌وگو با آمریکا حل کرد. تجربه مذاکرات فرصتی فراهم می‌کند تا این واقعیت برای‌شان روشن شود که آمریکا حتی در صورت امضای توافق هرگاه منافع خود را در خطر ببیند، به‌سادگی آن را نقض خواهد کرد.

این مسأله از آن جهت اهمیت دارد که جمهوری اسلامی ایران در برابر یک قدرت رسانه‌ای و اقتصادی گسترده قرار دارد؛ قدرتی که بر بسیاری از نهادها و سازمان‌های بین‌المللی نفوذ دارد و در موارد متعدد توانسته اراده خود را بر آنها تحمیل کند. نمونه‌هایی از این رفتار را حتی در عرصه‌های غیرسیاسی، از جمله رویدادهای ورزشی نیز می‌توان مشاهده کرد؛ جایی که فشار سیاسی آمریکا گاه بر روند تصمیم‌گیری نهادهای بین‌المللی سایه انداخته است.

بنابراین یکی از اهداف مهم مذاکره این است که ملت‌های بیشتری در جهان با واقعیت رفتار آمریکا آشنا شوند و در برابر سیاست‌های سلطه‌طلبانه آن موضع بگیرند. جمهوری اسلامی ایران نمی‌تواند صرفا بر تجربه تاریخی خود تکیه کند بلکه باید این تجربه را به سرمایه‌ای برای اقناع افکار عمومی جهان تبدیل کند.

تجربه تاریخی نیز این واقعیت را تایید می‌کند. از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ گرفته تا ده‌ها نمونه دیگر، آمریکا بارها در حالی که از همکاری و حسن نیت سخن گفته، در عمل مسیر دیگری را پیموده است. حتی در آستانه کودتای ۲۸ مرداد، در حالی که سفیر آمریکا به دکتر محمد مصدق اطمینان می‌داد واشنگتن در کودتا دخالتی نخواهد داشت، همکاری گسترده آمریکا و انگلیس برای سرنگونی دولت ملی ایران در جریان بود.

از این رو هر ملتی که تجربه عملی مواجهه با آمریکا را داشته باشد، به دشواری می‌تواند به وعده‌ها و تعهدات این کشور اعتماد کند. با این حال جمهوری اسلامی ایران همواره تلاش کرده است آغازگر تنش و جنگ نباشد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز با وجود همه دشمنی‌ها و فشارها، سیاست رسمی ایران بر تعامل مبتنی بر استقلال و منافع ملی استوار بوده است نه جنگ‌طلبی.

در عین حال، اجتناب از تنش به‌معنای چشم‌پوشی از دفاع نیست. هرگاه طرف مقابل از ابزار نظامی و زور استفاده کند، ایجاد بازدارندگی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. هدف از تقویت قدرت دفاعی آغاز جنگ نیست بلکه جلوگیری از جنگ و جلوگیری از پیشروی و زیاده‌خواهی دشمن است. تجربه نشان داده هرجا بازدارندگی تضعیف شود، طرف مقابل دامنه فشار و تجاوز خود را گسترش خواهد داد. از همین رو حفظ اقتدار دفاعی لازمه صیانت از استقلال، امنیت و منافع ملی کشور است.